

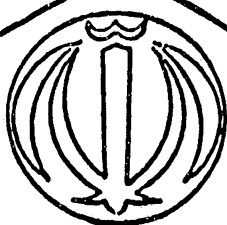


امام رضا سلام الله و صلواته عليه:

ان بسم الله الرحمن الرحيم اقرب الى اسم الله الاعظم من سواد العين الى بياضها

بسم الله الرحمن الرحيم، به اسم اعظم خداوند

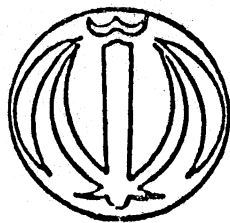
نزدیکتر از سیاهی چشم به سفیدی اش است. عیون اخبار الرضا ج ۱



قوانین روش تنظیم

بر اساس اصالت فاعلیت

(جمع بند صرفه لعلی)



قوانین روش تنظیم

بر اساس اصالت فاعلیت

(جمع بندهمه العبار)

فهرست

- ۱- اجمالی از مباحث قبل ص ۳
- ۲- تعریف مدل و مشخصات آن ص ۶
- ۳- مدل و تقسیمات و ابعاد آن ص ۹
- ۳/۱- مفاهیم محوری ص ۹
- ۳/۲- مفاهیم تصرفی ص ۱۰
- ۳/۳- مفاهیم تبعی ص ۱۲
- ۳/۳/۱- نظام اصطلاحات ص ۱۵
- ۳/۳/۱/۱- کوچکترین نظام اصطلاحات مشمول ص ۱۶
- ۳/۳/۱/۲- کوچکترین نظام اصطلاحات شامل ص ۲۰
- ۳/۳/۱/۳- بزرگترین نظام اصطلاحات ص ۲۱
- ۳/۳/۲- نظام تعاریف ص ۲۵
- ۳/۳/۲/۱- انعکاس متقوم اوصاف ص ۲۶
- ۳/۳/۲/۲- تنظیم منازل ص ۳۰
- ۳/۳/۲/۳- قراردادن عناوین در جدول منازل ص ۳۹
- ۳/۳/۳- نظام معادلات ص ۴۳
- مأخذ ص ۴۷

بدیهی است که برای رسیدن به «اهداف» یک نظام اجتماعی و یا حتی یک سازمان کوچک «برنامه‌ریزی» امری ضروری است و ایجاد نظم و انتظام بین اعضاء و امکانات سازمان برای انجام فعالیتها در جهت رسیدن به اهداف این ضرورت را ملموستر می‌نماید. بطور کلی هر برنامه شامل فعالیتهای خاصی است که می‌بایست بصورتی منظم همراه با هم و یا متوالیاً انجام شوند تا هدف یا اهداف سازمان محقق گردد و اغلب هر فعالیت نیز مجموعه‌ای از فعالیتهای کوچکتر یا ترکیبی منظم از عوامل و عناصر خاص است. آنچه برنامه را منظم نموده و یا برنامه‌ریزی را منطقی می‌سازد «مدل برنامه‌ریزی» است. در مدل می‌بایست جایگاه خاص و ضروری هر عنصر و نسبت منطقی بین عناصر مشخص شده باشد زیرا اینکار تا حدود بسیار زیادی برنامه‌ریز را از خطا و اشتباه و دوباره کاری و یا از طرف دیگر از تسامح و تساهل دور کرده، مساعی وی را در تنظیم امور و نیز ملاحظه مؤلفه‌های مؤثر و متأثر، در جهت رسیدن به اهداف و آرمانها تعمیق و تدقیق و تسهیل می‌بخشد چه اینکه بدون در دست داشتن «مدل یا الگوی برنامه» تحقق برنامه اصولی و کارآمد عملاً غیر ممکن و یا بسیار دشوار و همراه با رفت و برگشتها و دوباره کاریها خواهد بود زیرا حتی اگر بتوان مبتنی بر قدرت نبوغ و توانائیهای استثنائی به تنظیم موازنه‌های محدود در راه رسیدن به اهداف دست یافت، بی‌تردید تنظیم انبوه مؤلفه‌ها و روابطی که دارای آثار مستقیم و غیر مستقیم بر یکدیگرند بدون اتکا بر «مدل جامع تنظیم امور» غیر ممکن خواهد بود.

با توجه به مطالب فوق روشن است که صحت «فعالیتها و موضعگیریهای عملی» به

X

صحت «برنامه» و صحت «برنامه» به صحت «مدل» بازگشت می‌نماید و از آنجا که هر مدل نیز مجموعه‌ای از عناصر با نسبت‌های کمی و کیفی خاص است که با تلاش فرد یا مجموعه‌ای از افراد پدید می‌آید، دقت در مبانی، استدلال‌ات و روش دستیابی به این مجموعه سازیهانه تنها لازم بلکه حساسترین و پراهمیت‌ترین امر است اما آنچه در اینجا - با توجه به لزوم اختصار - می‌توان بیان داشت این است که صحت این مجموعه سازی نهایتاً به مجموعه‌ای کوچک و نیز قوانین کلی سیر از آن مجموعه به مجموعه‌های بزرگتر باز می‌گردد که همان حد اولیه مدل است و صحت حد اولیه نیز به مباحث فلسفی شامل بر مدل بازگشت می‌نماید. البته در محل خود اثبات می‌گردد که فلسفه‌ای کامل و کاراست که بتواند حدود اولیه لازم مدلسازیهای مختلف نظری و عملی را تحویل دهد بهمین علت تاکنون در فرهنگستان علوم اسلامی مباحث فلسفی گسترده‌ای مورد دقت و بررسی و یا ساخت و پرداخت واقع شده که بعضاً لوازم آنها در مدلسازیها و برنامه‌ریزیها نیز مورد کنکاش و دقت قرار گرفته است بنحویکه اشکالات و بن‌بستهای آنها در تنظیم امور علت تغییر و تحول در مباحث و مبانی فلسفی شده، حدود و اصول جدیدی را رهنمون گشته است. تاکنون در این رابطه اصالت ماهیت، اصالت وجود، اصالت رابطه، اصالت تعلق، اصالت فاعلیت و اصالت ولایت مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. در همین راستا جزوه حاضر به معرفی و توضیح اجمالی آخرین مدل طرح شده در فرهنگستان اختصاص یافته است این مدل مبتنی بر مباحث فلسفی نظام ولایت حد اولیه را نظام فاعلیت - با تعریف خاص - قرار داده است که در صفحات آتی اجمالاً بدان پرداخته خواهد شد.

نکته قابل تذکر اینکه بجهت سرعت و سهولت در فراگیری در این جزوه تنها به

معرفی عناصر و روابط گوناگون مدل پرداخته شده و استدلالات و پرسش و پاسخهای مربوط به آنها به جزوه دیگری که انشاء الله در آینده تنظیم خواهد شد موکول گردیده است.

۱- اجمالی از مباحث قبل

دیدیم که اگر بین موجودات هیچگونه اختلافی وجود نداشت، همه یک شیء بودند و موضعگیری و برنامه‌ریزی و ... موضوعیت نمی‌یافت و چنانچه از همه لحاظ مختلف بوده و هیچ اشتراکی نداشتند نیز ارتباط منتفی شده و بنوعی دیگر موضعگیری و برنامه‌ریزی بی‌وجه می‌شد.

اگر بین موجودات اتصال مطلق بود، همه یک چیز بوده و تغییر و حرکت و به تبع آن موضعگیری و برنامه‌ریزی محال می‌شد کما اینکه اگر بین آنها انفصال مطلق بود نیز بصورتی دیگر مسئله تکرار می‌شد.

اگر رابطه بین موجودات خود موجودی بسیط و صلب و یکپارچه بود، توان ایجاد ربط بین طرفین را نداشت و چنانچه طرفین نیز مسانختی با آن نداشتند ترکیب و تغییر محال می‌شد.

اگر آثار و خصال همه موجودات ذاتی آنها بود رابطه تاثیر و تأثر غیر ممکن شده باز هم موضعگیری و برنامه‌ریزی ممتنع می‌شد و چنانچه موجودات هیچ خصلتی از خود نداشته و همه آثار و خصال خود را در رابطه با سایر موجودات واجد می‌شدند بی خصلتی تک تک آنها به کل نیز سرایت کرده و هیچ خصلت و اثری نداشت لذا همه اجزاء و کل صفر و عدم بوده باز هم مسئله تکرار می‌شد.

همچنین اگر کیفیت خاص و یا حتی تغییر و حرکت خاص ذاتی موجودات بود، موضعگیری آگاهانه و برنامه‌ریزی منتفی می‌شد و چنانچه تغییر موضوعات نیز خود تغییر



کرده و تغییر در تغییر تا مبهم ادامه می داشت موجودات بی هویت و بی کیفیت مطلق شده باز هم موضعگیری و برنامه ریزی ممتنع می گشت.

و نیز اگر آینده اکنون موجود نباشد رابطه با عدم ممکن نیست و اگر آینده موجود باشد حرکت بی معناست (اگر آینده در وعاء دیگری موجود باشد حرکت از آن وعاء به این عالم خود حرکتی است و محتاج ربطی که هم در این عالم است و هم در آن وعاء قضیه تکرار می شود. همچنین اگر بین وضعیت فعلی و آتی موضوع اختلاف پتانسیل و نیز نحوه ای از کشش و تعلق وجود نمی داشت حرکت و تغییر محال می شد و اگر این کشش و تعلق متکیف بوده و کیفیت آن هم ثبوت مطلق می داشت به نحوی دیگر حرکت و تغییر و در نتیجه برنامه ریزی محال می شد.

اگر تغییر و حرکت هر موجودی معلول موجود یا موجودات دیگری می بود و همچنین تغییر و حرکت آن موجود یا موجودات نیز معلول موجود یا موجودات دیگر، این سلسله تا هر جا که ادامه می یافت با وجود موجود اول (اولین علت) کلیه معلولها دفعتاً می بایست موجود می شدند و در نتیجه تغییر و حرکت منتفی و برنامه ریزی بی وجه می شد.

و اگر برای رفع اشکال فوق موجود اول دارای بعد چهارم یعنی زمان فرض شده و در نتیجه وجودی تدریجی و ممتد در زمان داشته باشد و نتیجه گرفته شود که معلول آنهم لاجرم تدریجی خواهد بود علاوه بر آنکه هر علت (با حفظ خصوصیت شخصیه) یک معلول (با حفظ خصوصیت شخصیه) بیشتر نخواهد داشت و لاجرم هر نقطه از سیر و جریان علت اول یک معلول خاص خواهد داشت و پیوستگی و تناسب معلولها به پیوستگی و تناسب علت، و توالی معلولها به توالی جریان علت بازگشته سؤال در مورد

پیوستگی و تناسب و توالی علت اول تکرار می‌گردد، همچنین با تحقق تدریجی علت اول کلیه سلسله معلولها نیز جبراً محقق گردیده و باز هم برنامه‌ریزی بی‌وجه می‌شود.

لذا بدون پذیرش عامل اختیار در موجود و تکیه صرف به علت و معلول ترکیب و تغییر قابل توجیه نیست. موجود مختار همان فاعل است که اگر کیفیت خاصی ضروری و ذاتی آن باشد و یا اینکه به مقصد خاصی نحوه تعلق و کشش ذاتی و ضروری داشته و یا مقصد و سرمنزل او تکلیف مطلق داشته باشد فاعلیت بی‌معنا شده و اشکالات سابق تکرار می‌گردد. فاعلیت فاعل تنها به معنای قدرت بر انجام یا ترک فعل نیست بلکه در معنای کاملتر و منطقی‌تر قدرت ایجاد است و فاعل موجود می‌باشد.

فاعل اگر مجبور مطلق باشد فاعل نیست و اگر مختار مطلق باشد تعدد نمی‌پذیرد. اگر در محدوده‌ای مجبور مطلق و در محدوده دیگر مختار مطلق باشد، در محدوده اجباری فاعل نیست و در محدوده اختیاری اگر با سایر محدوده‌های اختیاری بی‌ارتباط باشد ترکیب و در نتیجه تغییر محال است و اگر با ارتباط باشد مطلق نیست. همچنین ارتباط یا بی‌ارتباطی محدوده اجباری با محدوده اختیاری خود نیز دچار همین مشکل است پس برای تعریف فاعل نمی‌بایست کیفیت اصالت یابد بلکه فاعل باید سه مرتبه به خودش تعریف شود یا به عبارت بهتر برای تعریف فاعل بین سه رتبه از فاعل ربطی منطقی تعریف شود بدین نحو که «فاعلی از فاعل شاملتر از خودش در خواست نماید که تصرف کرده و فاعلیت او را توسعه دهد» که در نتیجه فاعل بجای انتزاعی و مجرد در یک نظام (نظام فاعلیت) تعریف شده و در این نظام همه موجودات فاعل موجود بوده منتها هر فاعل ظرفیت خاصی از فاعلیت را داشته متناسب با آن از فاعل شاملتر در خواست می‌نماید و فاعل شاملتر امداد نموده فاعل جدیدی را ایجاد و در حیظه فاعلیت فاعل مادون قرار می‌دهد که پس از الحاق فاعل یا

خلق جدید به فاعل مادون افزایش ظرفیتی برای او محسوب شده و به عبارت دیگر توسعه و گسترش یافته ترکیب و ساختار جدیدی پیدا می‌کند.

۲ - تعریف مدل و مشخصات آن

در دستگاه فلسفی اصالت فاعلیت مدل به مثابه یک نقشه یا مجموعه بزرگ است که می‌توان آنرا «نقشه توسعه» دانست، کلیه اصطلاحات و تعاریف و معادلات مورد نیاز برای تصرف در خارج در آن جای خاص داشته و ترتیب و توالی یا جای و گاه آنها مشخص شده است. بر این اساس برای برنامه‌ریزی و تغییر در خارج ابتدا باید به این مدل مراجعه و عناوین، تعاریف و معادلات مورد نیاز را مشخص ساخته و آنگاه تغییرات لازم در موضوعاتی که این عناوین و تعاریف برای آنها وضع شده است را مبتنی بر معادلات ایجاد کرد. البته این تعریف از مدل نمی‌بایست با تعریف دیگری که مدل را یک نقشه بزرگ معرفی کرده که در آن هر موضوع جایگاه ویژه‌ای داشته و قطعاً پس از ملاحظه درون یک نظام ترسیم می‌شود یکسان دانست زیرا بر اساس اصالت فاعلیت مدل «نقشه توسعه فاعلیت» است یعنی نقشه‌ای است که نظام بر اساس آن ایجاد می‌گردد نه اینکه نظامی باشد سپس شناخته شده و مدل آن ترسیم گردد اصولاً در نظام فاعلیت علم به «ابزار تصرف» تعریف شده و شناخت هستها به معنای فوق در این دستگاه جایی ندارد و علم و برنامه و مدل همچون عملکرد عینی فاعل همه توسط فاعل ایجاد شده و هر یک بنوبه خود فاعل بوده و کلیه تعاریف و لوازم و آثار فاعل را دارا می‌باشند.

نظریه تقریباً رایجی این است که مدل مجموعه قوانین و پارامترهای ویژه‌ای است که در مورد هر موضوعی قابلیت تکرار داشته و یا اینکه هر مجموعه‌ای را می‌توان بر آن اساس سازمان داد این تعریف نیز مناسب مدل اصالت فاعلیتی نیست زیرا در اینجا یک مدل بزرگ

بعنوان نقشه و مدل توسعه فاعلیت مطرح است که در آن هر موضوع بلحاظ خصلت و نقشی که در این رابطه دارد «جای» و «گاهی» خاص یافته و یا اصولاً در این مجموعه در زمان و مکان خاص ایجاد می‌شود.

همچنین مبتنی بر یک نظر مدل مجموعه قوانین و مؤلفه‌های ثابتی است که در مورد امور تکراری بکار برده می‌شود و بر اساس نظری دیگر چون موضوعات ثبوت نداشته و دائماً در حال تغییر و تحوّلند و موضوعات جدیدی در این مسیر بوجود می‌آید مدل نیز باید دائماً تغییر کرده و قانون تغییر مدل هم می‌بایست در درون آن باشد اما در اصالت فاعلیت هر چند مدل، «نقشه توسعه فاعلیت» است و مبتنی بر آن مرتباً موضوعات جدیدی ایجاد شده و به نسبتی منحل در موضوعات سابق گشته و آنان را توسعه می‌دهد و یا به عبارت دیگر همه موضوعات جدیدی می‌شوند که ارتباطات جدیدی داشته و آثار و فاعلیتهای نوی نیز خواهند داشت اما همه این امور تا حدی که همان حدّ گستردگی و شمولیت مدل است در درون مدل جا داشته و فراتر از آنرا این مدل و فلسفه آن عاجز از تفسیرند و برای حل و تجزیه و تحلیل آنها می‌بایست فلسفه و مدلی عامتر و شاملتر ایجاد شود. به عبارت دیگر طبق اصالت فاعلیت هر فلسفه و مدلی از بیان و تحلیل تحول و تغییر خود عاجز بوده و این مطلب به فلسفه و مدل شاملتر و کاملتر واگذار می‌شود. مبتنی بر حد اولیه اصالت فاعلیت و قانون تکثیر آن، حد اطلاعات این مدل 3^{27} و یا 7626 میلیارد اطلاع می‌باشد.

معمولاً در سایر مدلها حدّ و مفاهیم اولیه بصورت انتزاعی و تجریدی و در عین حال ثابت و متعین تعریف می‌شوند و بر همین اساس مفاهیم بعدی نیز در رتبه خود بهمین صورت تجریدی ولی متعین تعریف میشوند اما در اصالت فاعلیت ضروری است که

مفاهیم اولیه متقوم بهم تعریف شده و بر این اساس در تعریف هر یک از مفاهیم اولیه سایر مفاهیم نیز حضور متقوم داشته و این مطلب در هر سطحی از مفاهیم تکرار گردد. ارتباط سطوح با هم نیز ارتباط اجمال و تبیین می باشد یعنی حد اولیه در اولین سطح بصورتی کاملاً اجمالی (دربرگیرنده کلیه مفاهیم تا آخرین مهرهای مدل است) تعریف شده و سطوح بعدی مفاهیم نیز همان حد اولیه اند که از اجمالش کاسته و بر قدر متیقنش افزوده شده است.

در همه مدلها تطبیق به مصداق عقلی انجام می شود و مدل در این مورد ساکت است اما در اصالت فاعلیت مبتنی بر این اندیشه که هرگاه امری عقلی انجام شود بر اساس ضوابط منطقی خاصی است، قانون تطبیق به مصداق و ضوابط گزینش نیز در خود مدل موجود بوده لذا در این مدل تطبیق و گزینش منطقی انجام شده و به قدرت تمیز یا توان فکری تطبیق دهنده و گزینش کننده واگذار نگردیده است.

خصلت مهم دیگری که درباره این مدل می توان بر شمرد حجیت آن است بطور کلی روشی که منجر به این حد اولیه شده است دو بخش دارد، در بخش نخست که بخش سلبی نامیده شده کلیه مباحث مستقیم یا غیر مستقیم بر امور غیر قابل انکار تکیه دارد که هیچ مکتب و مرام و بینشی قادر به نفی آنها نیست و بخش دوم که بخش ایجابی نامیده شده است بر فاعلیت تکیه دارد که در آن اختیار داشتن فاعل اصل قرار گرفته شده که جامع مشترک بین کلیه ادیان الهی است و مهمتر اینکه این مدل مبتنی بر نظام ولایت است که در مباحث فلسفی اثبات می گردد نه تنها هماهنگ ترین نظام سازی با عقاید اسلامی است بلکه بهترین نظامی است که می تواند از جهان تصویری صحیح جهت موضعگیری و عمل ارائه داده و صرفاً در حد مباحث نظری متوقف نگردد. برنامه ریزی در این نظام مبتنی بر این

امر است که هر آنچه از طرف فاعل واقع گردیده یا ایجاد می شود پرستشی است که این پرستش الهی و یا مادی است بنابراین برنامه ریزی در این سطح در دو جهت الهی و مادی صورت می گیرد هر چند در سطح بالاتر گفته می شود کلیه پرستشها در یک جهت است منتها جهت گیری مادی، پرستش خدا در سطح نازل و بصورت حیوانی است.

۳- مدل و تقسیمات و ابعاد آن (نظام مفاهیم)

بطور کلی مدل در اصالت فاعلیت، مجموعه مفاهیمی است که جهت برنامه ریزی و فاعلیت نظام یافته ضرورت می یابد. این مجموعه که در آن مفاهیم مبتنی بر اصالت فاعلیت سامان و انتظام یافته اند «نظام مفاهیم» خوانده می شود. نظام مفاهیم همچون هر نظام دیگری بلحاظ ساختاری، در اولین رتبه به سه دسته «محوری، تصرفی و تبعی» تقسیم می گردند زیرا در یک ساختار کلیه اوصاف دارای یک نقش واحد نبوده، گروهی از آنها اوصاف اصلیند که نظام حول آنها شکل یافته، گروهی اوصاف فرعی که پس از اوصاف اصلی موضوعیت یافته اند و در نهایت گروهی اوصاف تبعی که در آخرین رتبه موضوعیت می یابند.

هر کدام از مفاهیم محوری، تصرفی و تبعی به سه دسته بشرح زیر تقسیم می شوند:

مفاهیم محوری: (ولایت، تولی، تصرف)	}	نظام مفاهیم
مفاهیم تصرفی: (توسعه، ساختار، کارآئی)		
مفاهیم تبعی: (نظام اصطلاحات، نظام تعاریف، نظام معادلات)		

۱/۱- مفاهیم محوری

مفاهیم محوری که اصلیتزین عناصر در نظام مفاهیمند شامل سه مفهوم ولایت، تولی و تصرف بوده و بلافاصله از حد اولیه بدست می آیند بدینصورت که در حد تولی (فاعلی از

فاعل شامل بر خود درخواست می‌کند که فاعلیت او را توسعه دهد) سه فعل وجود دارد، درخواست فاعل مادون از فاعل شامل، امداد فاعل شامل (خلق فاعل جدید جهت الحاق آن به فاعل مادون) و الحاق فاعل جدید به فاعل مادون، که امداد، سرپرستی و ایجاد فاعل شامل «ولایت»، درخواست، استمداد و طلب فاعل مادون از فاعل شامل «تولی» و آنچه منجر به الحاق فاعل جدید به فاعل مادون است «تصرف» می‌باشد بنابراین «ولایت تولی تصرف» اصیل‌ترین مفاهیم این نظام بوده که مستقیماً از حد اولیه بوجود آمده‌اند.

۳/۲ - مفاهیم تصرفی

مفاهیم تصرفی دومین دسته از اوصاف مطرح در نظام مفاهیم‌اند. این دسته از مفاهیم که وصف موضوعات یا فاعلها واقع می‌شوند (نه وصف نظام) سه امر «توسعه، ساختار، کارائی» می‌باشند. این سه وصف منطبق بر ابعاد «زمان، مکان و تقوم زمان و مکان (نسبت بین زمان و مکان)» است که در این فلسفه هر فاعل بضروره دارای این سه بعد یا سه وصف می‌باشد.

توسعه بدین معناست که در پی درخواست فاعل مادون، فاعل شامل موجود جدیدی را خلق و نهایتاً به او ملحق می‌نماید که در این تحلیل فاعل مادون تغییر کرده و تغییر او هم تکاملی بوده و یا به عبارت دیگر رشد و توسعه پیدا کرده است.

هرگاه یک فاعل توسعه یابد یا به عبارت دیگر فاعل جدیدی به او ملحق شده یا تحت اختیار او قرارگیرد نسبت بین اوصاف یا به عبارت دیگر «ساختار» او تغییر نموده و با تغییر ساختار نیز آثار و کارائی آن فاعل متفاوت خواهد شد.

بنابراین مفاهیم تصرفی (توسعه ساختار کارایی) بعنوان سه وصف فاعلیت، دومین دسته از مفاهیم موجود در نظام مفاهیم هستند که باید مورد توجه قرار گیرند. یعنی مفاهیم

تصرفی ابعاد مفاهیم محوری می باشند به عبارت دیگر از آنجا که ولایت، تولی و تصرف هر کدام به نوبه خود دارای زمان و مکان و نسبت بین زمان و مکان می باشند، مفاهیم تصرفی در آنها ضرب شده و مثلاً توسعه ولایت، ساختار ولایت و کارایی ولایت موضوعیت می یابد.

وجه تسمیه مفاهیم تصرفی و مفاهیم محوری این است که مفاهیم تصرفی از مفاهیم محوری بدست آمده، نسبت بین آنها نسبت فرع و اصل است. کیفیت ارتباط این دو دسته از مفاهیم به این ترتیب است که بر طبق قانون تکثیر که در اصالت فاعلیت اثبات می گردد مفاهیم محوری می بایست یکبار در خودشان ضرب شوند تا انواع مختلف ترکیب آنها مشخص شود. در نتیجه هر ترکیب دوتائی یک قسم از مفاهیم تصرفی خواهد بود بدین نحو که یک جدول سه خانه ای ترسیم می شود و بالای ستونهای آنها به ترتیب ولایت، تولی و تصرف نوشته شده و همچنین در کنار سطرهای آن نیز ولایت، تولی و تصرف ثبت می گردد اکنون اگر ستونها در سطرها ضرب شوند سه ترکیب مختلف بوجود می آید که در خانه های جدول نوشته می شود:

ولایت	تولی	تصرف	
ولایت	تولی	تصرف	ولایت
ولایت	ولایت	ولایت	تولی
ولایت	تولی	تصرف	تصرف
تولی	تولی	تولی	
تولی	ولایت	تصرف	
تصرف	تصرف	تصرف	

از آنجا که در نظام فاعلیت، ولایت نسبت تاثیر اصلی را در پیدایش «توسعه»، تولی

نسبت تاثیر اصلی را در «ساختار» و بالاخره تصرف نسبت تاثیر اصلی را در «کارایی» دارد
 ستون اول مربوط به «توسعه» و ستون دوم مربوط به «ساختار» و ستون سوم مربوط به

«کارایی» می باشد:

اوصاف توسعه	اوصاف ساختار	اوصاف کارایی
ولایت	تولی	تصرف
ولایت	ولایت	ولایت
ولایت	تولی	تصرف
تولی	تولی	تولی
ولایت	تولی	تصرف
تصرف	تصرف	تصرف

همچنین از آنجا که در نظام فاعلیت توسعه به معنای «افزایش کثرت» یعنی افزایش ظرفیت و «ارتقاء جهت» و «افزایش وحدت» به معنای بالا رفتن کارایی است و همچنین اوصاف ساختار مرکب از "محوری، تصرفی و تبعی"، و اوصاف کارایی مرکب از «هماهنگی، وسیله و زمینه» می باشند و با توجه به تناظر مفاهیم که وصف فوق با مفاهیم

دوقطبی جدول قبل چنین نتیجه می شود که:

ولایت	تولی	تصرف
ولایت	محموری	هماهنگی
تولی	تصرفی	وسیله
تصرف	تبعی	زمینه

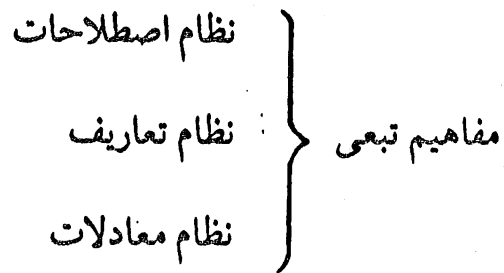
اوصاف توسعه	اوصاف ساختار	اوصاف کارایی
-------------	--------------	--------------

و یا مفاهیم تصرفی برابرند با:

اوصاف توسعه: (ظرفیت جهت عاملیت)	} مفاهیم تصرفی
اوصاف ساختار: (محموری تصرفی تبعی)	
اوصاف کارایی: (هماهنگی وسیله زمینه)	

این مفاهیم همانطور که قبلاً هم بیان شد اوصاف زمانی، مکانی و تقوم زمانی و مکانی فاعلیتها در این نظامند که در نظام مفاهیم بعنوان دومین دسته از مفاهیم مطرح شده و در واقع ربط و حد فاصل بین مفاهیم محموری و مفاهیم تبعی می باشند و یا به عبارت دیگر (بنا به خصالت ویژه آن در این مدل) بعنوان روش و شیوه ای است که سومین دسته از مفاهیم یعنی مفاهیم تبعی بوسیله آن از مفاهیم محموری بدست می آید.

این دسته از مفاهیم که بلحاظ منطقی سومین دسته از مفاهیم هستند، نزدیکترین مفاهیم به عمل و پرمصرفترین آنها بوده و به سه نظام مجزا تقسیم می‌گردند:



مجموعه اصطلاحاتی که مبتنی بر روش منطقی اصالت فاعلیت از تکثیر مفاهیم تصرفی بدست می‌آیند و سه دسته تقریباً ۷۶۲۶ میلیاردی و یا حدود $10^{11} \times 228$ اصطلاح را شامل می‌شوند "نظام اصطلاحات" را تشکیل می‌دهند. هر اصطلاح که مرکب از تکرار مفاهیم تصرفی (اوصاف توسعه یا اوصاف ساختار و یا اوصاف کارایی) بنحوی منطقی ~~تکرار~~ با سایر اصطلاحات در یک یا چند قید منطقی تفاوت داشته و بدین ترتیب کلیه اختلافات و اشتراکات درون این نظام سازمان داده شده‌اند و جایگاه هر اصطلاح بین سایر اصطلاحات بنحوی منطقی معین شده است. نظام اصطلاحات نظام طبقه‌بندی موضوعات است.

مجموعه تعاریفی که مبتنی بر روش منطقی خاص از نظام اصطلاحات بدست می‌آیند "نظام تعاریف" را تشکیل می‌دهند که هر تعریف بین سایر تعاریف بنحوی منطقی

جایگاه یافته و بر اساس آن کلیه تعاریفی که بطور منطقی بر اساس اصطلاحات موجود برای تعریف یک موضوع لازم است مشخص می شود.

مجموعه ربطها و نسبت‌هایی که در مدل بین تعاریف اشیاء و موضوعات برقرار شده و جایگاه یا به عبارت بهتر نسبت کیفی و کمی موضوعات اعم از ترکیبی یا تبدیلی را معین می کنند "نظام معادلات" را تشکیل می دهند. مبتنی بر همین نظام معادلات است که امکان و قدرت ایجاد ترکیب و تغییر و تحول منطقی و حساب شده در موضوعات مختلف فراهم گردیده و کنترل وضعیت و حرکت فاعل یا نظامی از فاعلیت را به نسبتی که فاعل شاملتر قدرت تصرف دارد بنحوی منطقی در اختیار او می گذارد.

از آنجا که عمده مدل بلحاظ کاربرد، در مفاهیم تبعی خلاصه می شود، این قسمت از مدل بصورت کاملتر تبیین می گردد.

۳/۳/۱ - نظام اصطلاحات

نظام اصطلاحات که در این مدل "نظام طبقه بندی موضوعات" است مجموعه منطقی اصطلاحات می باشد. نظام اصطلاحات به معنای عام، کلیه اصطلاحات موجود در این فلسفه را شامل می شود اما چنانچه نظام اصطلاحات یک موضوع مدنظر باشد در آن صورت عبارتست از مجموعه اوصاف یا صفاتی که برای یک موضوع یا یک فاعل بیان می شود و از آنجا که در این فلسفه اوصاف موضوع در سه دسته زمانی، مکانی و تقوم زمان و مکانی و یا به عبارت دیگر اوصاف توسعه، اوصاف ساختار و اوصاف کارآئی جمع می شوند نظام اصطلاحات نیز در همین سه بعد شکل می یابد.

ایجاد نظام اصطلاحات چند مرحله دارد که عبارتند از: ایجاد کوچکترین نظام اصطلاحات مشمول، ایجاد کوچکترین نظام اصطلاحات شامل و ایجاد بزرگترین نظام اصطلاحات.

۳/۳/۱/۱ - کوچکترین نظام اصطلاحات مشمول

کوچکترین نظام اصطلاحات مشمول، مجموع اصطلاحات در سه بعد توسعه ساختار کارآیی است که در هر بعد می بایست اوصاف همان بعد را دوبار در خودش ضرب کرد و یا به عبارت دیگر به توان سه رساند بدین ترتیب که در مرحله اول ابتدا یک جدول سه در سه رسم می شود که بالای ستونهای آن اوصاف یک بعد و در کنار سطرهای آنهم همان اوصاف نوشته شده سپس ستونها در سطرها ضرب می شوند.

				ظرفیت	جهت	عاملیت
محوری	تصرفی	تبعی	محوری تصرفی تبعی	ظرفیت	جهت	عاملیت
محوری	محوری	تبعی		ظرفیت	ظرفیت	ظرفیت
تصرفی	تصرفی	تصرفی		جهت	جهت	جهت
تبعی	تبعی	محوری		ظرفیت	جهت	عاملیت
تبعی	تبعی	تبعی		عاملیت	عاملیت	عاملیت

اولین مرحله ضرب اوصاف ساختار

اولین مرحله ضرب اوصاف توسعه

				هماهنگی
زمین	وسیل	هماهنگی	هماهنگی وسیل زمین	هماهنگی
زمین	وسیل	هماهنگی		وسیل
وسیل	وسیل	وسیل		زمین
زمین	وسیل	هماهنگی		
زمین	زمین	زمین		

اولین مرحله ضرب اوصاف کارایی

همانگونه که ملاحظه می شود در این مرحله ۳ دسته اصطلاح که هر کدام دارای ۹ اصطلاح دو قیدی می باشند ایجاد می شود که جهت انجام مرحله دوم می بایست ۹ اصطلاح مربوط به هر جدول را بترتیب از سطر اول تا سطر سوم در کنار یک جدول نوشته و بالای آن جدول نیز همان سه وصف اولیه نوشته شود و سپس مانند مرحله قبل ستون در سطر ضرب گردد.

همانگی	وسيله	زمينه
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی
وسيله	وسيله	وسيله
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی
وسيله	وسيله	وسيله
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی
همانگی	همانگی	همانگی

محموری	تصرفی	تبعی
محموری	تصرفی	تبعی
محموری	محموری	محموری
محموری	محموری	محموری
محموری	تصرفی	تبعی
تصرفی	تصرفی	تصرفی
محموری	محموری	محموری
تبعی	تصرفی	تبعی
محموری	محموری	محموری
محموری	محموری	محموری
تصرفی	تصرفی	تصرفی
محموری	تصرفی	تبعی
تصرفی	تصرفی	تصرفی
تصرفی	تصرفی	تصرفی
محموری	تصرفی	تبعی
تصرفی	تبعی	تبعی
محموری	محموری	محموری
تبعی	تبعی	تبعی
محموری	تصرفی	محموری
تصرفی	تصرفی	تصرفی
تبعی	تبعی	تبعی
محموری	تصرفی	محموری
تبعی	تبعی	تبعی
تبعی	تبعی	تبعی

دومین مرحله ضرب اوصاف کارائی

دومین مرحله ضرب اوصاف ساختار

بنابراین اوصاف توسعه هر موضوع مرکب از ۲۷ اصطلاح سه قیدی، اوصاف ساختار آن هم مرکب از ۲۷ اصطلاح سه قیدی و اوصاف کارآئی آن نیز مرکب از ۲۷ اصطلاح سه قیدی است و در مجموع هر موضوع دارای ۸۱ اصطلاح سه قیدی می باشد که این مجموعه کوچکترین نظام اصطلاحات مشمول خواهد بود.

۳/۳/۱/۲ - کوچکترین نظام اصطلاحات شامل

در فلسفه اصالت فاعلیت اثبات گردیده است که هر فاعل (موضوع) درون و بیرونی دارد و بهمانصورت که فاعل محوری یک نظام است همزمان در نظام دیگر فاعل تصرفی و در سومین نظام نیز فاعل تبعی می باشد یعنی هر فاعل به نسبتی محوری است و در محور موثر، به نسبتی تصرفی است و در تصرف موثر و به نسبتی هم تبعی است و در تبعیت موثر می باشد و عیناً هر فاعل، ولی یک نظام، متولی در نظام دوم و تابع در نظام سوم است و به عبارت دیگر در نظام کل به نسبتی ولایت، به نسبتی تولی و به نسبتی تصرف دارد.

با توجه به نکته فوق روشن می شود که آنچه در مورد نظام اصطلاحات مشمول گفته شد درون یک فاعل (موضوع) را نشان می دهد و برای نمایش بیرون موضوع باید مدل گسترش بیشتری پیدا کند. قطعاً گسترش مدل نیز می بایست منطقی انجام شود. از آنجا که طبق این مدل برای درون هر فاعل یک نظام اصطلاحات مشمول وجود دارد برای فاعل یا نظام فاعلیت شامل بر این موضوع نیز یک نظام اصطلاحات مشمول هست که یکی از اوصاف موجود در هر یک از جداول توسعه یا ساختار یا کارآئی برابر با این فاعل یا نظام فاعلیت

تحت شمول می باشد. یعنی هر یک از جداول توسعه، ساختار و کارایی (که دارای ۲۷ اصطلاح سه قیدی هستند) می بایست در کنار ۲۶ جدول دیگر که مشابه همین جدول است اما در مورد فاعلهای دیگری است به ترتیبی قرار گیرد که هر کدام از این جداول در یکی از خانه های جدول ۲۷ خانه ای قرار گیرد یا به عبارت دیگر جای یک اصطلاح سه قیدی بنشینند. بدین ترتیب سه جدول ۲۷ خانه ای که هر خانه آن دارای ۲۷ خانه است و درون هر خانه یک اصطلاح سه قیدی از اوصاف توسعه یا ساختار یا کارایی قرار گرفته است تشکیل می شود که این مجموعه کوچکترین نظام اصطلاحات شامل را تشکیل می دهد.

۳/۳/۱/۳ - بزرگترین نظام اصطلاحات

بهمان روشی که از کوچکترین نظام اصطلاحات مشمول، کوچکترین نظام اصطلاحات شامل بدست آمد تکثیر چند بار تکرار می شود تا بزرگترین نظام اصطلاحات شکل یابد یعنی در کوچکترین نظام اصطلاحات مشمول ۳ دسته ۲۷ تایی اصطلاحات سه قیدی وجود دارد که اگر در هر کدام از جداول توسعه ساختار کارایی یک جدول ۲۷ تایی، در یکی از خانه های جدول ۲۷ تایی شاملتر قرار گیرد یک جدول بزرگتر (کوچکترین نظام اصطلاحات شامل) بوجود می آید که درون آن ۷۲۹ (۲۷×۲۷) اصطلاح شش قیدی (در ضرب یک اصطلاح سه قیدی در جایگاهی که قرار گرفته - که خود جایگاه هم یک اصطلاح سه قیدی است - یک اصطلاح شش قیدی بوجود می آید) وجود دارد این تکثیر (یک جدول را خانه ای از یک جدول ۲۷ خانه ای شاملتر قرار دادن) بلحاظ اینکه واحد اولیه در این منطق اصطلاحات سه قیدی و نظام ۲۷ خانه ای است همچنان تکرار می شود تا ۳^{۲۷} و

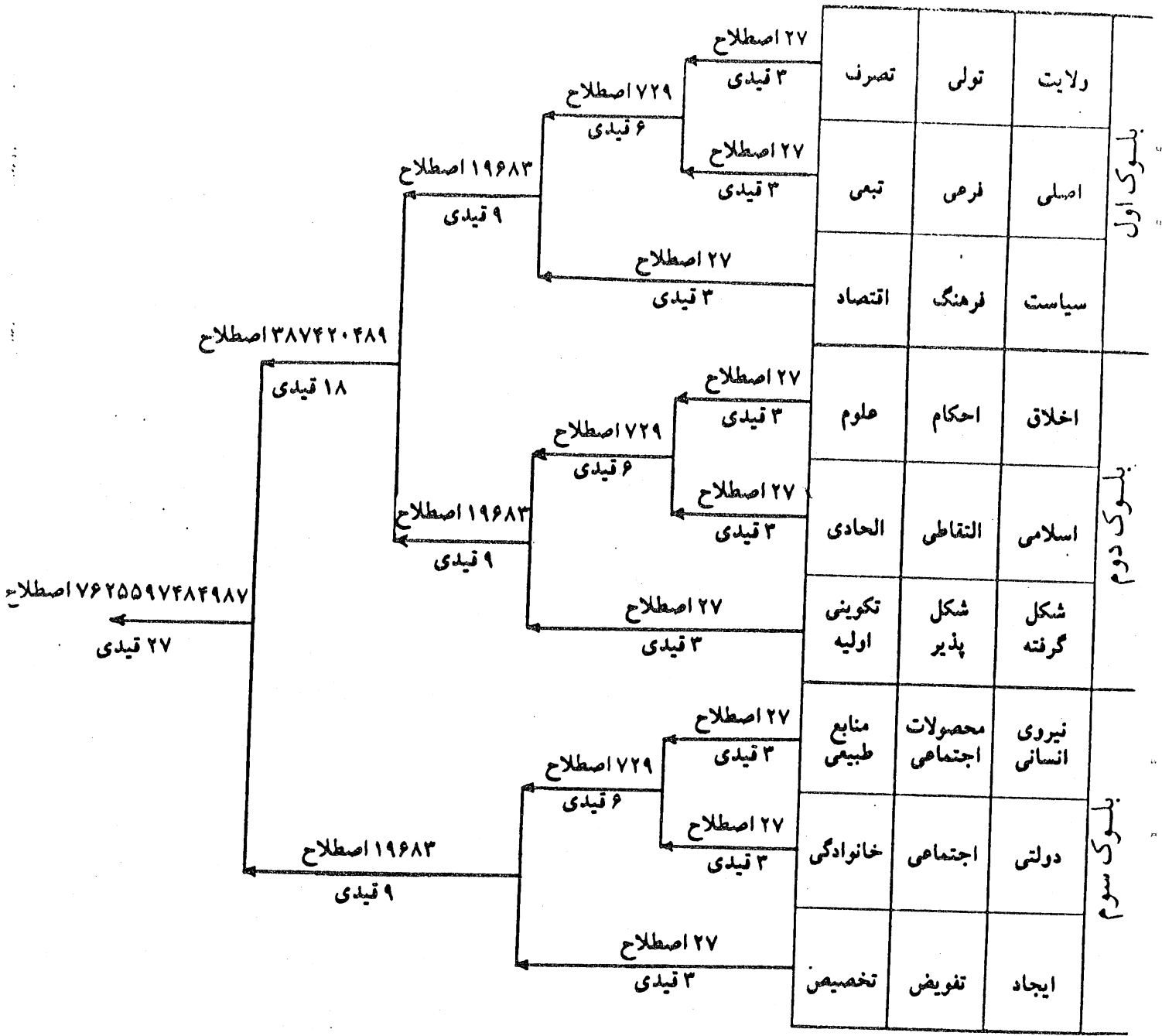
یا تقریباً ۷۶۰۰ میلیارد (۷۶۲۵۵۹۷۴۸۴۹۸۷) اصطلاح ۲۷ قیدی بوجود آید که چون واحد این مدل بصورت منطقی تکرار شده است مجموعه اصطلاحات فوق بزرگترین نظام اصطلاحات این مدل بوده و منطقاً قابلیت تکثیر، تکرار و اضافه را نخواهد داشت. البته قابل یادآوری است که در این مرحله سه جدول بزرگ ۷۶۰۰ میلیاردی از اصطلاحات ۲۷ قیدی وجود دارد که یکی مربوط به اوصاف توسعه، دیگری اوصاف ساختار و آخری اوصاف کارایی است.

همچنین لازم به تذکر است که هرچند در طی مراحل تکثیر از کوچکترین نظام اصطلاحات مشمول به بزرگترین نظام اصطلاحات، اصطلاحات ۶ قیدی، اصطلاحات ۹ قیدی، اصطلاحات ۱۲ قیدی و ... بوجود می آید اما آنچه طبق این مدل رسمیت دارد و فاعل شناخته می شود اصطلاحاتی است که یا ۳ قید داشته باشند (اصطلاحات موجود در کوچکترین نظام اصطلاحات مشمول) و یا مضرب کامل ۳ یعنی ۲۷ قید (اصطلاحات موجود در بزرگترین نظام اصطلاحات) و آنچه مابین این دو واقع می شود صرفاً مربوط به مراحل تولید است و یک فاعل کامل محسوب نمی گردد.

حال بر طبق این مدل کلیه فاعلهای موجود در نظام فاعلیت در بزرگترین نظام اصطلاحات جای داشته و هر کدام برابر با یک اصطلاح ۲۷ قیدی توسعه و متناظر با آن برابر با یک اصطلاح ۲۷ قیدی ساختار و همچنین متناظر با آن برابر با یک اصطلاح ۲۷ قیدی کارایی می باشند و یا به عبارت ساده تر هر فاعل (موضوع) در هر یک از جداول توسعه ساختار کارایی (بزرگترین نظام) یک جایگاه ویژه داشته که جایگاه آن در هر سه

جدول متناظر با هم می باشد.

اما از آنجا که اگر تکثیر اصطلاحات از کوچکترین تا بزرگترین نظام بدون دسته بندی خاصی انجام شود، در فضای ۷۶۰۰ میلیاردی اصطلاحات پیدا کردن و یا معین کردن جایگاه یک اصطلاح بسیار مشکل و پیچیده خواهد بود لذا از ابتدا برای رفع این مشکل، تکثیر طبق جدولی انجام می شود که جدول آدرس نامیده می شود. این جدول دارای سه بلوک و هر بلوک دارای سه سطر و هر سطر نیز دارای سه اصطلاح است مانند شکل زیر. (عناوین داخل جدول در این مرحله صرفاً بعنوان مثال و برای سهولت فراگیری نوشته شده اند هر چند طی مباحث آتی مورد استفاده دیگری قرار خواهند گرفت):



جدول آدرس و نمودار روش تکثیر آن

همانگونه که در جدول فوق مشخص شده است جهت تکثیر ابتدا می بایست اصطلاحات داخل یک سطر را دوبار در یکدیگر ضرب کرد (به توان ۳ رساند) تا ۲۷ اصطلاح سه قیدی بدست آید سپس داخل هر بلوک ابتدا باید حاصل سطر اول را در سطر دوم و سپس نتیجه آن را در سطر سوم ضرب نمود که در مرحله اول ۷۲۹ اصطلاح ۶ قیدی و در مرحله دوم

۱۹۶۸۳ اصطلاح ۹ قیدی بوجود می آید سپس حاصل بلوک اول را در حاصل بلوک دوم و در نهایت نتیجه این ضرب را در حاصل بلوک سوم ضرب نمود که در اینجا نیز ابتدا ۳۸۷۴۲۰۴۸۹ اصطلاح ۱۸ قیدی و در نهایت ۷۶۲۵۵۹۷۴۸۴۹۸۷ اصطلاح ۲۷ قیدی بدست خواهد آمد.

مبتنی بر جدول آدرس بسرعت و سهولت می توان جایگاه هر فاعل را در مجموعه ۷۶۰۰ میلیاردی اصطلاحات مشخص نمود البته روشن است که جایگاه یک فاعل در سه جدول توسعه و ساختار و کارایی متناظر یکدیگر است لذا اگر جایگاه یک اصطلاح در یکی از جداول بدست آمد معلوم می شود که موضوع آن در دو جدول دیگر نیز به چه اصطلاحاتی مربوط می شود.

در این جدول نیز اصطلاحات ۶ و ۹ و ۱۸ قیدی منطقاً اصطلاحات کاملی نبوده و تنها جهت سهولت در آدرس بندی استفاده می شوند والا اصطلاح کامل یا سه قیدی (در کوچکترین نظام) و یا ۲۷ قیدی (در بزرگترین نظام) می باشد.

۳/۳/۲ - نظام تعاریف

دومین دسته از مفاهیم تبعی نظام تعاریف است. همانگونه که ملاحظه شد در نظام اصطلاحات مفاهیم تصرفی به روشی خاص تکثیر شده بطوریکه از سه دسته اصطلاح سه تایی یک قیدی اولیه سه دسته اصطلاح ۷۶۰۰ میلیاردی ۲۷ قیدی بوجود آمد اما در نظام تعاریف می بایست آن اصطلاحات را بنحوی منطقی ترکیب نمود تا تعاریف لازم بدست آید. لذا در این نظام از تکثیر خبری نیست بلکه هدف خلاصه گیری و ترکیب است اما نه

بدان صورت که چیزی در این میان حذف شود بلکه نوعی جمع‌بندی و ترکیب است که در آن تقوم موضوعات یا اوصاف به یکدیگر اصل قرار گیرد.

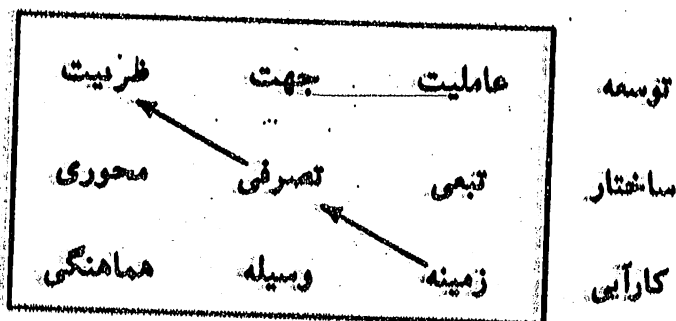
۳/۳/۲/۱ - انعکاس متقوم اوصاف

برای ترکیب اصطلاحات و رسیدن به نظام تعاریف چند کار انجام می‌شود، اولین مرحله منعکس کردن اوصاف توسعه، ساختار و کارآئی در یکدیگر است بنحوی که تاثیر هر بعد در سایر ابعاد ملاحظه شود علت ضرورت این مرحله این است که اوصاف توسعه، ساختار و کارآئی در فاعل، متقوم به یکدیگر می‌باشند و هرگونه تغییر در هر یک از آنها سبب تغییر در سایر اوصاف خواهد شد یعنی هرگاه مثلاً ساختار یک فاعل عوض شود نحوه توسعه و شکل کارآئی او نیز تغییر خواهد کرد و هرگاه یک فاعل توسعه یابد ساختار و کارآئی او عوض می‌شود کما اینکه اگر کارآئی یک فاعل تبدیل یابد، ساختار و توسعه او نیز متحول خواهد شد. این تقوم اوصاف به یکدیگر ایجاب می‌کند که هنگام بررسی فاعلها وقتی به تغییرات یک بعد یا وصف می‌رسیم، تغییرات سایر ابعاد و یا اوصاف را هم از زاویه تغییر این وصف ملاحظه کنیم و به عبارت دیگر انعکاس اوصاف در یکدیگر را مورد توجه قرار دهیم، این نحوه برخورد قدرت محاسبه و ضریب دقت را بمراتب بالاتر برده و قدرت پیش بینی و کنترل تغییرات را افزایش می‌دهد.

لازم به تذکر است که ضرورت تقوم ابعاد و یا تقوم اوصاف و یا سایر موارد به یکدیگر بطور مشروح در فلسفه اصالت فاعلیت طرح و بررسی شده است و در اینجا مبتنی بر آن مباحث، تنها شیوه برقراری یا ملاحظه ارتباطها و انعکاسها بین اوصاف بیان می‌گردد.

برای طی مرحله اول (انعکاس اوصاف) چند کار می‌بایست انجام شود، ابتدا سه جدول موجود در کوچکترین نظام اصطلاحات در سه ستون کنار یکدیگر قرار می‌گیرند (جدول زیر) سپس از این سه جدول "۲۷ اصطلاحی سه قیدی" یک جدول "۲۷ خانه‌ای ۹ قیدی" ساخته می‌شود بطوریکه در هر خانه سه سطر وجود دارد که سطر اول مربوط به اصطلاحات و قیود توسعه، سطر دوم مربوط به اصطلاحات و قیود ساختار و سطر سوم مربوط به اصطلاحات و قیود و کارایی می‌باشد سپس در قدم بعد بین ۹ اصطلاحی که در یک خانه قرار گرفته‌اند "قطرگیری یا محورگیری" می‌شود بنحویکه ابتدای محور، قید اول اصطلاح کارائی، وسط محور، قید دوم اصطلاح ساختار و آخر محور قید سوم اصطلاح توسعه قرار گیرد.

مرحله سوم یا عنوان	مرحله دوم	مرحله اول تعریف سازی	کارایی	ساختار	توسعه
ولایت	هماهنگی محوری ظرفیت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	محوری محوری محوری	ظرفیت ظرفیت ظرفیت
تولسی	وسیله محوری ظرفیت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تصرفی محوری محوری	جهت ظرفیت ظرفیت
تصرف	زمینه محوری ظرفیت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تبعی محوری محوری	عاملیت ظرفیت ظرفیت
اصولی	هماهنگی تصرفی ظرفیت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	محوری تصرفی محوری	ظرفیت جهت ظرفیت
فرعی	وسیله تصرفی ظرفیت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تصرفی تصرفی محوری	جهت جهت ظرفیت
تبعی	زمینه تصرفی ظرفیت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تبعی تصرفی محوری	عاملیت جهت ظرفیت
سیاست	هماهنگی تبعی ظرفیت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	محوری تبعی محوری	ظرفیت عاملیت ظرفیت
فرهنگ	وسیله تبعی ظرفیت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تصرفی تبعی محوری	جهت عاملیت ظرفیت
اقتصاد	زمینه تبعی ظرفیت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تبعی تبعی محوری	عاملیت عاملیت ظرفیت
اخلاق	هماهنگی محوری جهت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	محوری محوری تصرفی	ظرفیت ظرفیت جهت
احکام	وسیله محوری جهت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تصرفی محوری تصرفی	جهت ظرفیت جهت
علوم	زمینه محوری جهت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تبعی محوری تصرفی	عاملیت ظرفیت جهت
اسلامی	هماهنگی تصرفی جهت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	محوری تصرفی تصرفی	ظرفیت جهت جهت
التقاطی	وسیله تصرفی جهت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تصرفی تصرفی تصرفی	جهت جهت جهت
الحادی	زمینه تصرفی جهت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تبعی تصرفی تصرفی	عاملیت جهت جهت
شکل گرفته و متبلور	هماهنگی تبعی جهت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	محوری تبعی تصرفی	ظرفیت عاملیت جهت
شکل پذیر و متبلور	وسیله تبعی جهت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تصرفی تبعی تصرفی	جهت عاملیت جهت
تکوینی اولیه و مستدل	زمینه تبعی جهت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تبعی تبعی تصرفی	عاملیت عاملیت جهت
مقدورات انسانی	هماهنگی محوری عاملیت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	محوری محوری تبعی	ظرفیت ظرفیت عاملیت
مقدورات اجتماعی	وسیله محوری عاملیت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تصرفی محوری تبعی	جهت ظرفیت عاملیت
مقدورات طبیعی	زمینه محوری عاملیت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تبعی محوری تبعی	عاملیت ظرفیت عاملیت
نظام دولتی	هماهنگی تصرفی عاملیت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	محوری تصرفی تبعی	ظرفیت جهت عاملیت
نظام اجتماعی	وسیله تصرفی عاملیت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تصرفی تصرفی تبعی	جهت جهت عاملیت
نظام خانواده	زمینه تصرفی عاملیت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تبعی تصرفی تبعی	عاملیت جهت عاملیت
ایجاد	هماهنگی تبعی عاملیت	ظرفیت محوری ظرفیت همگامی ظرفیت همگامی	توسعه ساختار کارایی	محوری تبعی تبعی	ظرفیت عاملیت عاملیت
تفویض	وسیله تبعی عاملیت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تصرفی تبعی تبعی	جهت عاملیت عاملیت
تخصیص	زمینه تبعی عاملیت	جهت محوری جهت همگامی جهت همگامی	توسعه ساختار کارایی	تبعی تبعی تبعی	عاملیت عاملیت عاملیت



در مثال فوق که مربوط به خانه ششم است محور "زمینه تصرفی ظرفیت" می شود.

بدین ترتیب یک جدول "۲۷ خانه ای سه قیدی" تشکیل می شود که هر قید در جایگاه

خود معرف سه قید از ابعاد توسعه ساختار و کارایی است.

سومین گام در این مرحله "عنوان یابی" است بدین نحو که برای هر اصطلاح سه

قیدی (که بوسیله محورگیری یا قطرگیری بدست آمده است) یک عنوان مناسب قرار

می گیرد که در ادامه برای شناسایی آن اصطلاح و معین شدن جایگاه فاعلها از آن استفاده

می شود بدین ترتیب نهایتاً ۲۷ اصطلاح سه قیدی به ۲۷ عنوان (به ترتیب ولایت، تولی،

تصرف، اصلی، فرعی، تبعی، سیاست، فرهنگ، اقتصاد، اخلاق، احکام، علوم، اسلامی،

التقاطی، الحادی، شکل گرفته، شکل پذیر، تکوینی اولیه، مقدرات انسانی، مقدرات

اجتماعی، مقدرات طبیعی، نظام دولتی، نظام اجتماعی، نظام خانواده، ایجاد، تفویض و

تخصیص) تبدیل می شود.

از آنجا که مرحله فوق نسبت به هر موضوعی تکرار شده و درون آنرا نشان می دهد

نام این مرحله را می توان تنظیم "مدل درونی یا ساختار درونی" نیز گذاشت که بعداً در

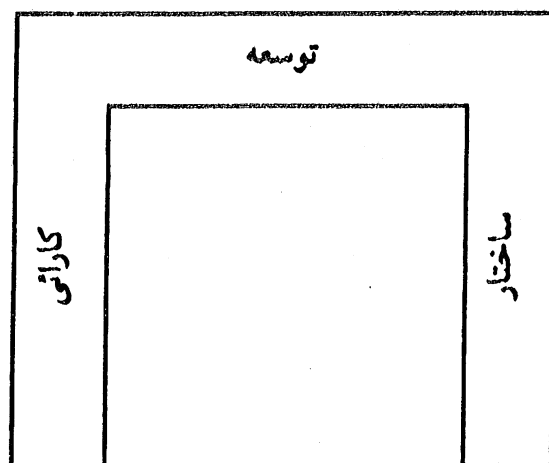
تنظیم ها و ساختارهای بزرگتر، این مدل درونی به تعداد موضوعات تکرار می گردد البته با

نسبتهای کمی و جایگاه‌های متفاوت که رویهم اختلافات و اشتراکات کمی و کیفی موضوعات را نشان می‌دهند.

۳/۳/۲/۲ - تنظیم منازل

در مرحله دوم می‌بایست جدولی ساخته شود که در درون آن اوصاف بنحوی منطقی در یکدیگر منعکس شده و جایگاه‌های مختلفی را با خصصتهای ویژه بوجود آورند تا در مرحله بعد بتوان عناوین و اصطلاحات متناسبی را در درون این جایگاه‌ها قرار داد.

در بحثهای قبل بیان شد که کلیترین اوصاف یا ابعاد هر فاعل، توسعه، ساختار و کارایی است. لذا در اولین تنظیم می‌بایست نسبت تاثیر این عوامل بر یکدیگر معین شود. از آنجا که موضوع در مقابل اثر خود قرار گرفته و زمان شامل بر آنهاست یعنی چنانچه پیرامون نسبت سه وصف دقت شود توسعه (محوری)، ساختار (تصرفی) و کارایی (تبعی) خواهد بود لذا یک جدول سه طرفه رسم می‌شود که بالای آن اوصاف توسعه، سمت راست اوصاف ساختار و سمت چپ اوصاف کارایی خواهد بود:



و چون توسعه به معنای افزایش وحدت و کثرت، ارتقاء جهت و شدت کارائیت از زاویه توسعه که به دو بعد دیگر نگر بسته شود موضوع (ساختار) در موضع "ظرفیت"، اثر موضوع (کارائی) در موضع "عاملیت" و ارزش و جایگاه موضوع در موضع "جهت" قرار می‌گیرد.

در گام بعد ابتدا می‌بایست تقسیمات سه تائی هر بعد در جدول لحاظ شود:

توسعه									
		عاملیت		جهت		ظرفیت			
کارائی		ماهنگی						محوری	
		وسيله						تصرفی	
		زینة						بنی	
								ساختار	

و پس از آن هر یک از تقسیمات سه گانه یکبار در خودش ضرب شده و اصطلاحات نه گانه دو قیدی بدست آمده در ردیف و ستونهای بعدی جدول جایگزین می‌گردد:

کاراتی

ساختار

ظرفیت		جهت				عاملیت	
ظرفیت	جهت	عاملیت	ظرفیت	جهت	عاملیت	ظرفیت	جهت
محوری	محوری	محوری	محوری	محوری	محوری	محوری	محوری
تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی
تبعی	تبعی	تبعی	تبعی	تبعی	تبعی	تبعی	تبعی
محوری	محوری	محوری	محوری	محوری	محوری	محوری	محوری
تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی
تبعی	تبعی	تبعی	تبعی	تبعی	تبعی	تبعی	تبعی
محوری	محوری	محوری	محوری	محوری	محوری	محوری	محوری
تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی	تصرفی
تبعی	تبعی	تبعی	تبعی	تبعی	تبعی	تبعی	تبعی

سپس در ردیف ۲۷ تائی که در قسمت ساختار (سمت راست جدول) قرار دارد و مخصوص موضوعات است سه دسته تقسیمات ۹ تائی که در مرحله قبل بدست آمده بصورت متشابهک نوشته می شود بدین ترتیب که ابتدا اولین اصطلاح دو قیدی مربوط به توسعه بعد اولین اصطلاح دو قیدی مربوط به ساختار و سپس اولین اصطلاح دو قیدی مربوط به کارایی و بهمین ترتیب تا آخرین اصطلاح توسعه ساختار کارائی درون این ۲۷ خانه قرار می گیرد.

ردیف ۲۷ تائی اوصاف کارایی (سمت چپ جدول) به اثر موضوع یا مقصد موضوع اختصاص دارد که به ترتیب مقصد همان موضوعات (ردیف ۲۷ تائی اوصاف ساختار) در این خانه ها قرار می گیرد.

توسعه

عمالیت			جهت			ظرفیت			
ظرفیت عمالیت	جهت عمالیت	عمالیت	جهت عمالیت	جهت ظرفیت	عمالیت ظرفیت	جهت ظرفیت	ظرفیت	ظرفیت	
ماهانگی	ماهانگی	ماهانگی محوری	ماهانگی	جهت	محوری ظرفیت	محوری	محوری	محوری	
		ماهانگی محوری			محوری جهت	محوری			
		ماهانگی محوری			محوری عمالیت	محوری			
	وسيله	ماهانگی	وسيله محوری	ماهانگی	جهت	محوری ظرفیت	تصرفی	تصرفی	تصرفی
			وسيله محوری			محوری جهت	تصرفی		
			وسيله محوری			محوری عمالیت	تصرفی		
	زمینه	زمینه	زمینه محوری	زمینه	جهت	محوری ظرفیت	نسبی	نسبی	نسبی
			زمینه محوری			محوری جهت	نسبی		
			زمینه محوری			محوری عمالیت	نسبی		
	وسيله	ماهانگی	ماهانگی تصرفی	ماهانگی	جهت	تصرفی ظرفیت	محوری	تصرفی	تصرفی
			ماهانگی تصرفی			تصرفی جهت	تصرفی		
			ماهانگی تصرفی			تصرفی عمالیت	تصرفی		
وسيله		وسيله	وسيله تصرفی	وسيله	جهت	تصرفی ظرفیت	تصرفی	تصرفی	تصرفی
			وسيله تصرفی			تصرفی جهت	تصرفی		
			وسيله تصرفی			تصرفی عمالیت	تصرفی		
زمینه		زمینه	زمینه تصرفی	زمینه	جهت	تصرفی ظرفیت	نسبی	نسبی	نسبی
			زمینه تصرفی			تصرفی جهت	نسبی		
			زمینه تصرفی			تصرفی عمالیت	نسبی		
زمینه		ماهانگی	ماهانگی نسبی	ماهانگی	جهت	نسبی ظرفیت	محوری	نسبی	نسبی
			ماهانگی نسبی			نسبی جهت	نسبی		
			ماهانگی نسبی			نسبی عمالیت	نسبی		
	وسيله	وسيله	وسيله نسبی	وسيله	جهت	نسبی ظرفیت	تصرفی	تصرفی	تصرفی
			وسيله نسبی			نسبی جهت	تصرفی		
			وسيله نسبی			نسبی عمالیت	تصرفی		
	زمینه	زمینه	زمینه نسبی	زمینه	جهت	نسبی ظرفیت	نسبی	نسبی	نسبی
			زمینه نسبی			نسبی جهت	نسبی		
			زمینه نسبی			نسبی عمالیت	نسبی		

آنچه که از جدول باقی مانده و می بایست پر شود ستون‌هایی است که تحت شمول جهت (بلحاظ اوصاف توسعه) واقع شده‌اند این ستونها که عبارتند از ظرفیت جهت، جهت جهت و عاملیت جهت رویهم نسبت را نشان می دهند زیرا همیشه «جهت» نسبت بین "مبداء و مقصد" و یا "موضوع و اثر مورد انتظار" می باشد.

اولین ستون ۲۷ تائی "به نسبت بین موضوع و مقصد موضوع" اختصاص یافته است و آخرین ستون ۲۷ تائی متعلق به «شاخصها» می باشد که در هر ردیف آن سه شاخص که معرف نسبت موضوع به مقصد موضوع است قرار می گیرد و در نهایت می بایست آن سه شاخص باهم جمع شده و یک میانگین را بدهد که ماحصل آن به انضمام دو ستون دیگر نسبت را تمام می کند.

ستون ۲۷ تائی وسط نیز به دو بخش تقسیم می شود، در یک طرف «نسبت کمی» موضوع در بین سایر موضوعات موجود در این نظام معین می شود و در طرف دیگر با توجه به کدهای داده شده «جایگاه موضوع» در این نظام مشخص می گردد.

ستون نسبت کمی مبتنی بر مباحثی که در فلسفه فاعلیت مطرح شده است بر مبنای ۱ و ۲ و ۴ می باشد که این سه نسبت، هم بین سه خانه داخل یک قسمت و هم بین سه قسمت داخل یک بلوک و هم بین سه بلوک داخل یک جدول برقرار شده است.

در ستون کدها نیز سه عدد وجود دارد که عدد اول مربوط به بلوک، عدد دوم مربوط به قسمت و عدد سوم مربوط به خانه یا ردیف می باشد.

۳/۳/۲/۳ - قرار دادن عناوین در جدول منازل

در این مرحله ابتدا آنچه که محصول محورگیری یا قطرگیری (در مرحله انعکاس متقوم اوصاف) بود در ستون شاخصه‌ها (ستون ۲۷ تائی سمت چپ و تحت شمول جهت در جدول منازل) قرار داده می‌شود منتها ترتیب آن کمی تغییر می‌نماید بدینصورت که ۲۷ اصطلاح (محورگیری) به سه بلوک ۹ تائی تقسیم می‌شوند سپس اولین اصطلاح بلوک اول و بعد از آن اولین اصطلاح بلوک دوم و بعد اولین اصطلاح بلوک سوم در خانه‌های اول و دوم و سوم قرار می‌گیرد سپس دومین‌ها نیز بهمین ترتیب و بعد سومین‌ها و الی آخر.

از آنجا که این اصطلاحات سه قیدی هستند دو قید اول و دوم حکم اثر و مقصد را پیدا می‌کنند لذا در ستون اثر (ستون ۲۷ تائی اوصاف کارایی) قرار می‌گیرند و چون قید دوم و سوم حکم موضوع را پیدا می‌کنند در ستون موضوع (ستون ۲۷ تائی اوصاف ساختار) جایگزین می‌شوند، نسبت موضوع به مقصد موضوع قید دوم است که حد وسط و نسبت مابین این دو دسته اصطلاح دو قیدی واقع می‌شود لذا در ستون نسبت (ستون ۲۷ تائی سمت راست و تحت شمول جهت در جدول منازل) قرار می‌گیرند.

ستون «نسبتهای کمی» و ستون «آدرس» همیشه ثابت بوده و در کلیه جداول بهمان صورت جدول منازل تکرار می‌گردد:

سپس ستون ۲۷ تائی موضوعات به سه دسته ۹ تائی تقسیم می‌گردد بدینترتیب که اولین اصطلاح به اولین خانه وصف توسعه، دومین اصطلاح به اولین خانه وصف ساختار و سومین اصطلاح به اولین خانه وصف کارایی منتقل می‌شود و بهمین صورت بقیه اصطلاحات به خانه‌های اوصاف توسعه، ساختار و کارایی منتقل می‌گردند و در نتیجه ردیف ۹ تائی هر سه وصف با اصطلاحات پر می‌شود. سپس ردیف سه تائی هر وصف هماهنگ با اصطلاحات ردیف ۹ تائی پر می‌شود و سرانجام هماهنگ با ردیف سه تائی، یک اصطلاح در ردیف مربوط به هر وصف (توسعه، ساختار و کارایی) قرار داده می‌شود همانگونه که ملاحظه می‌گردد این سه اصطلاح "ظرفیت، جهت و عاملیت" می‌باشد و این مطلب بدین خاطر است که توسعه وصف محوری است و نسبت تاثیر محوری را دارد و در نتیجه دو وصف دیگر در این وصف منحل شده‌اند. یا به عبارت دیگر وصف توسعه بدلیل محوریت و رابطه تقویمی با سایر اوصاف مشعر به آنها نیز می‌باشد.

تا پایان یافتن مراحل فوق تعریف درونی موضوع بدست می‌آید که این مدل را

می‌توان در مورد هر موضوعی تکرار کرد لذا به آن "جدول پی" نیز گفته شده است.

ظرفیت

تصرفی ظرفیت

تبعی ظرفیت		تصرفی ظرفیت		تصرفی ظرفیت		محوری ظرفیت	
ظرفیت تبعی	ظرفیت تبعی	ظرفیت تصرفی	ظرفیت تصرفی	ظرفیت تصرفی	ظرفیت تصرفی	ظرفیت محوری	ظرفیت محوری
محوری عاملیت	همانگی محوری	ظرفیت	محوری	۱-۱-۱	محوری	گمبوری ظرفیت	محوری
	همانگی محوری	جهت	محوری	۱-۱-۲	محوری	محوری جهت	محوری
	همانگی محوری	عاملیت	محوری	۱-۱-۳	محوری	محوری عاملیت	محوری
محوری عاملیت	وسيله محوری	ظرفیت	محوری	۱-۲-۱	محوری	محوری ظرفیت	محوری
	وسيله محوری	جهت	محوری	۱-۲-۲	محوری	محوری جهت	محوری
	وسيله محوری	عاملیت	محوری	۱-۲-۳	محوری	محوری عاملیت	محوری
	زمینه محوری	ظرفیت	محوری	۱-۳-۱	محوری	محوری ظرفیت	محوری
	زمینه محوری	جهت	محوری	۱-۳-۲	محوری	محوری جهت	محوری
	زمینه محوری	عاملیت	محوری	۱-۳-۳	محوری	محوری عاملیت	محوری
تصرفی عاملیت	همانگی تصرفی	ظرفیت	تصرفی	۲-۱-۱	تصرفی	تصرفی ظرفیت	تصرفی
	همانگی تصرفی	جهت	تصرفی	۲-۱-۲	تصرفی	تصرفی جهت	تصرفی
	همانگی تصرفی	عاملیت	تصرفی	۲-۱-۳	تصرفی	تصرفی عاملیت	تصرفی
	وسيله تصرفی	ظرفیت	تصرفی	۲-۲-۱	تصرفی	تصرفی ظرفیت	تصرفی
	وسيله تصرفی	جهت	تصرفی	۲-۲-۲	تصرفی	تصرفی جهت	تصرفی
	وسيله تصرفی	عاملیت	تصرفی	۲-۲-۳	تصرفی	تصرفی عاملیت	تصرفی
	زمینه تصرفی	ظرفیت	تصرفی	۲-۳-۱	تصرفی	تصرفی ظرفیت	تصرفی
	زمینه تصرفی	جهت	تصرفی	۲-۳-۲	تصرفی	تصرفی جهت	تصرفی
	زمینه تصرفی	عاملیت	تصرفی	۲-۳-۳	تصرفی	تصرفی عاملیت	تصرفی
	همانگی تبعی	ظرفیت	تبعی	۳-۱-۱	تبعی	تبعی ظرفیت	تبعی
	همانگی تبعی	جهت	تبعی	۳-۱-۲	تبعی	تبعی جهت	تبعی
	همانگی تبعی	عاملیت	تبعی	۳-۱-۳	تبعی	تبعی عاملیت	تبعی
تبعی عاملیت	وسيله تبعی	ظرفیت	تبعی	۳-۲-۱	تبعی	تبعی ظرفیت	تبعی
	وسيله تبعی	جهت	تبعی	۳-۲-۲	تبعی	تبعی جهت	تبعی
	وسيله تبعی	عاملیت	تبعی	۳-۲-۳	تبعی	تبعی عاملیت	تبعی
	زمینه تبعی	ظرفیت	تبعی	۳-۳-۱	تبعی	تبعی ظرفیت	تبعی
	زمینه تبعی	جهت	تبعی	۳-۳-۲	تبعی	تبعی جهت	تبعی
	زمینه تبعی	عاملیت	تبعی	۳-۳-۳	تبعی	تبعی عاملیت	تبعی

برای بدست آوردن تعریف بیرونی می‌بایست جایگاه موضوع در نظام شاملتر روشن شود یعنی مدل برای موضوع شاملتر نیز تکرار شود، بدین معنا که عملیات انعکاس مستقیم اوصاف، تنظیم منازل و قرار دادن عناوین در جدول منازل به همان کیفیتی که در جدول پی توضیح داده شد عمل می‌گردد که نهایتاً جدول تعریف بیرونی یا "جدول پایه" بدست می‌آید آنگاه مبتنی بر آن نسبت‌های کمی و کیفی موضوع نسبت به موضوعات همجوار یا شاملتر معین شده و تعریف موضوع داخل در مجموعه شاملتر نیز بدست می‌آید.

۳/۳/۳- نظام معادلات

همانگونه که قبلاً ذکر شد نظام معادلات سومین دسته مفاهیم از مفاهیم تبعی است که پس از نظام اصطلاحات و نظام تعاریف موضوعیت می‌یابد.

بنا به تعریف عرفی معادله نسبتی است که بین کم و کیف یک یا چند موضوع با کم و کیف یک یا چند موضوع دیگر برقرار می‌شود و یا نسبتی است که بین مراحل مختلف تغییرات یک موضوع می‌باشد.

مبتنی بر اصالت فاعلیت هرگاه یک وصف یا یک بعد موضوعی تغییر نماید سایر اوصاف و ابعاد آن نیز متاثر شده و تغییر می‌کنند و هرگاه اوصاف و خصوصیات یک موضوع تغییر کند جایگاه و نسبت آن موضوع در مجموعه شاملتر نیز عوض می‌شود و در نتیجه مجموعه شاملتر نیز تغییر کرده و تاثیرات جدیدی را بر آن موضوع می‌گذارد و علاوه بر آن با تغییر جایگاه یک موضوع در یک نظام نسبت‌های بین موضوعات دستخوش تغییر و تحول شده در نتیجه تأثیر و تأثر موضوع اول نیز با سایر موضوعات عوض می‌شود حال

برای محاسبه و یا ایجاد حساب شده مجموعه این تغییرها می‌بایست معادله تشکیل داد و نسبت بین کلیه متغیرها را برآورد نمود. به عبارت دیگر نسبت بین تغییر اولیه (فاعلیت ولی مجموعه) و بازتابی که مجموعه شامل بر موضوع به علت تغییر نسبتهای موضوعات دارد و نیز نسبتی که بین تغییر یک موضوع با تغییر سایر موضوعات همجوار یا شامل و مشمول است معادله می‌باشد.

همچنین چون در نظام فاعلیت همیشه فاعلها و نظامهای فاعلیتی شامل بر یک فاعل یا یک نظام فاعلیت وجود دارد، فاعلیتهای آنها در مجموعه‌های تحت شمول مؤثر است و یا به عبارتی عملکرد فاعلها شامل برای فاعلها تحت شمول محسوب می‌گردد، لذا آنچه بعضاً در طبیعت بعنوان قوانین و معادلات طبیعی بین عوامل و عناصر برقرار است و بنظر ثابت و غیر قابل تغییر می‌رسند از دسته فاعلیتهای فاعلها شاملتر بوده که در برنامه‌ریزی و مدل سازی و معادله سازی می‌بایست مدنظر قرار گرفته و جایگاه آنها معین شود.

همچنین از ناحیه فاعل یا نظامهای فاعلیت همعرض تاثیراتی مثبت یا منفی بر فاعلیتهای تحت شمول گذاشته می‌شود مثلاً چنانچه یک نظام اجتماعی مورد دقت باشد از طرف سایر کشورها تاثیرات منفی یا مثبتی بر داخل کشور گذارده می‌شود و همچنین برنامه‌ریزی و فاعلیتهای داخلی آنها آثار گوناگونی بر موضوعات داخلی کشور خواهد داشت که مهار، تفوق و بهره‌برداری از آثار مزبور، از مسائل مهم و قابل دقت در تعیین و تنظیم و پردازش نظام معادلات محسوب می‌گردد.

بنابراین نظام معادلات عبارت است از مجموعه نسبت‌هایی که بین موضوعات، اوصاف و نسبت بین آنها و تغییرات این موضوعات، اوصاف و نسبت‌ها برقرار است. این نظام در مدل اصالت فاعلیت از جمع‌بندی نظام تعاریف بدست می‌آید.

یکی از مباحث مهم و اساسی در مسئله معادلات بحث کمیت است و این مطلب از چند لحاظ قابل دقت می‌باشد اول اینکه در عمل کم و کیف موضوعات یا اوصاف موضوع، قابل تبدیل به کم و کیف دیگری از همان موضوع یا سایر موضوعات و اوصاف است که جهت برآورد و یا تحقق حساب شده این تغییرات می‌بایست امور مختلف را به یک امر تبدیل کرده و با اتخاذ مقیاس مناسب برای این تغییر، معادله داشت و بدیهی است که در نظام فاعلیت می‌بایست این نحو تبدیل به کمیت و یا ارزش‌گذاری اوصاف و موضوعات، الهی بوده و ربط آن با شرع مقدس روشن باشد و به عبارت دیگر باید مبنای ارزش‌گذاری منطقی و حساب شده بوده و نسبت آن با شرع و یا حجیت آن تمام باشد.

همچنین در هر ساختار بین موضوعات موجود در آن تناسباتی کمی برقرار است که این مطلب نیز قابل دقت است از طرفی این تناسبات با تغییرات منطقی و اهداف نظام نسبت دارد و از طرف دیگر با موضوعات و شرایط عینی نیز تناسبی خواهد داشت به عبارت دیگر در هر برنامه یک تناسبات مطلوب و یک تناسبات موجود موضوعیت دارد که قهراً برای سیر از موجود به مطلوب تناسبات انتقالی هم موضوعیت خواهد یافت که این دسته از تناسبات از دو دسته قبل متاثر می‌باشد.

تناسبات مطلوب در این مدل همان نسبت‌های کمی منعکس شده در جداول منازل و

عناوین است که همان نسبت "۴ و ۲ و ۱" می باشد بدینصورت که سهم تاثیر فاعل محوری ۴ و سهم تاثیر فاعل تصرفی ۲ و سهم تاثیر فاعل تبعی ۱ قرار داده شده است و یا به عبارت دیگر نسبتهای مطلوب بین این سه فاعل "۴ و ۲ و ۱" می باشد و بهمین ترتیب نیز نسبتهای مطلوب بین بلوکها نیز (۴ و ۲ و ۱) و نسبتهای مطلوب بین قسمتهای داخلی هر بلوک نیز بهمین نسبت می باشد.

مطلب مهم دیگر در رابطه با مبحث کمیت، تبدیل نسبتهای کمی موجود به نسبتهای کمی مطلوب است که فرضاً چنانچه نسبتهای موجود در یک نظام فاعلیت با نسبتهای مطلوب تفاوت زیادی داشت آیا اصلاح از بزرگترین نسبتها به سمت کوچکترین است و یا برعکس، اصلاح از کوچکترین بسمت بزرگترین می باشد و یا اینکه همزمان می بایست تغییراتی در همه سطوح بوجود آورد.

بهرحال پاسخ سئوالات فوق و سئوالات دیگر نظیر آن طی مباحث نظام معادلات روشن می گردد نتایج این مباحث که پس از اتمام دوره اجمالی بحث مدل در فرهنگستان جریان داشته بفضل الهی پس از تکمیل در جزوات دیگری تقدیم خواهد شد همچنین جزوات دیگری در رابطه با تبیین مباحث مختلف مدل و یا استدلالات بکار رفته در آن، در آینده تدوین و ارائه خواهد گردید.

**** والاسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته ****

ماخذ

این جزوه ملخص و جمعبندی دوره اجمالی مباحث قوانین روش تنظیم است که طی هفده جلسه از حضور استاد ارجمند حضرت حجة الاسلام و المسلمین حاج آقا سید منیر الدین حسینی الهاشمی استفاده شده است. برای اطلاع بیشتر نسبت به این مباحث می توان طبق فهرست زیر به متن کامل جلسات مراجعه نمود.

بدیهی است بعلمت اجمالی بودن بحث، امکان اشتباه در برداشت از فرمایشات استاد وجود دارد که به فضل الهی با استفاده مجدد از خدمت ایشان طی جزوات بعدی اصلاح خواهد شد.

عنوان

آدرس

اجمالی از مباحث قبل	ج دوم صفحات ۷-۴-۱۲-۹ و ج چهارم صفحات ۹ و ۲
تعریف مدل و مشخصات آن	
حد اولیه	ج اول صفحات ۸-۳ و ج چهارم ص ۶
تفاوت مدل با نقشه	ج سوم صفحات ۱ و ۴
مدل، محدودیت و رشدپذیر بودن	ج سوم ص ۶ و ج هفتم ص ۱۱ و ج هشتم ص ۱ و ج نهم ص ۸
تفاوت مدل با قانون عام تکرارپذیر	ج سوم ص ۲
مدل و گزینش و تقسیم‌بندی	ج چهارم ص ۸ و ج نهم ص ۱۴
حجیت روش	ج یازدهم ص ۸
مدل در کلیترین شکل	
اولین تقسیم‌بندی	ج چهارم ص ۱۲ و ج پنجم ص ۱
ارتباط مفاهیم محوری و تصرفی و تبعی	ج ششم ص ۹ و ج هفتم ص ۲ و ج هشتم ص ۴
اصطلاحات	ج دوازدهم صفحات ۱ و ۸
تعاریف	ج نهم ص ۷ و ج دهم ص ۱۱
ربط نظام تعاریف، اصطلاحات و معادلات	ج یازدهم و ج چهاردهم ص ۸ و ج شانزدهم ص ۷
کیفیت تولید اوصاف توسعه ساختار کارایی	ج هفتم ص ۳
تقسیمات اوصاف توسعه ساختار کارایی	ج ششم ص ۳ و ج هشتم ص ۴
نظام اصطلاحات	
نظام اصطلاحات و طبقه‌بندی موضوعات	ج چهاردهم ص ۱۱ و ج پانزدهم ص ۱۶
تکثیر و روش تکثیر اصطلاحات	ج نهم ص ۱۲

عنوان

آدرس

کوچکترین نظام اصطلاحات مشمول ج پنجم ص ۸ و ج ششم ص ۷ و ج هشتم ص ۳ و ج نهم

ص ۳ و ج دهم ص ۵

درون و بیرون موضوعات ج نهم ص ۸ و ج مقدمه ص ۱۰

کوچکترین نظام اصطلاحات شامل ج ششم صفحات ۷ و ۱۴ و ج هشتم ص ۴

بزرگترین نظام اصطلاحات ج دهم ص ۴

نظام تعاریف

عنوان سازی ج یازدهم ص ۱۲

انعکاس اوصاف در یکدیگر ج یازدهم ص ۱۳

انعکاس ابعاد در هم ج دوازدهم ص ۹

تنظیم منازل ج یازدهم ص ۱۳ و ج دوازدهم ص ۱۰ و ج سیزدهم ص ۵

موضوع در طریق ج یازدهم ص ۳

تقسیم هر وصف به ۹ قسمت برای انعکاس ج یازدهم ص ۱۴

ترکیب ابعاد در جدول ج دوازدهم ص ۱۰

ستون آدرس و ارزش در جدول ج دوازدهم ص ۵

عنوان گذاری در جدول تعریف درونی ج سیزدهم ص ۵

نظام تعاریف تحت مشمول و شامل ج سیزدهم ص ۷

تناسبات کمی و شیب در جدول ج چهاردهم صفحات ۴ و ۶ و ۱۴

نظام معادلات

نسبت موجود و مطلوب ج شانزدهم ص ۱۰

معادله و مقیاس ج شانزدهم ص ۱۱

معادله و تناسبات طبیعی ج شانزدهم ص ۱۲

معادله کاربردی ج مقدمه ص ۲

معادلات علوم و برنامه ریزی ج مقدمه ص ۷